

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم النفس

(مقایسه نشانیات و کلمات و ملاصدرا)

زینب حاتون مجیدی

سخن مولف

این کتاب در مورد نفس و بدن انسان است که اندیشه دو فیلسوف هم عصر یعنی دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰) و ملاصدرا (۱۵۷۲-۱۶۴۰) را با یکدیگر مقایسه کرده و اختلاف نظرهای آنها مورد استدلال و بررسی قرار گرفته که برای این کار از کتابهای مخیر فلسفی مانند فلسفه غرب و اسلام و دیگر کتابهای فلسفی کمک گرفته شده است که در آن اشکالاتی بر ادعای دکارت وارد شده و نظریات وی مورد نقد و بررسی قرار گرفته اعمال شده تا به هدف اصلی که همانا روشن شدن حقیقت نفس است برسیم که با استفاده از منابع فوق الذکر به این نتیجه می‌رسیم که نفس انسان، آنگونه که دکارت جدا از بدن می‌داند، نیست بلکه به قول ملا صدرا، نفس صورت بدن است و دوگانگی وجود ندارد نفس با بدن فرقی ندارد، نفس یعنی بدن و بدن یعنی نفس، فقط در ذهن می‌توان آن دو را

از هم جدا کرد. در خارج، نفس و بدن یک چیز بیشتر نیستند. تعلق نفس به بدن ذاتی است پس در اینجا ثنویت نیست نفس در ابتدا ماده است و استکمال نفس جوهری است زیرا تعلق آن جوهری است و روابط آن طی فرآیند تکامل نفس عمیق و عمیق تر می شود و در غایت چنانچه به کمال ذاتی خود نایل شود در تنالی خود، زنی به قوا و اعضای متعدد ندارد.

فهرست مطالب

۷	سخن مولف
۱۱	مقدمه
۱۷	فصل اول: دکارت
۱۷	خلاصه ای از اندیشه دکارت
۲۴	شک دکارت
۲۵	رابطه نفس و بدن
۲۹	ثنویت دکارتی
۳۳	فصل دوم : ملاصدرا
۳۳	خلاصه ای از اندیشه ملاصدرا
۳۷	تجرد نفس از دیدگاه ملاصدرا
۴۴	اعتراض امام فخر رازی بر برهان تجرد نفس ملاصدرا
۴۵	پاسخ اعتراض اول
۴۶	پاسخ اعتراض دوم
۴۷	حدوث نفس
۴۹	رابطه نفس و بدن

- تعلق دیگر نفس به بدن ۵۱
- فصل سوم : (مساله نفس و بدن) ۵۳
- بخش : مقایسه نظریات صدرا و دکارت ۵۳
- نظریات و آراء فیلسوفان در مورد نفس و بدن ۶۲
- نظریات فیلسوفان مسلمان درباره نفس ۶۸
- فصل چهارم : نتیجه گیری ۷۷
- منابع و مآخذ ۸۱

مقدمه

مساله نفس و بدن یکی از مسائلی است که از دیرباز مورد توجه فیلسوفان اسلام و غرب قرار گرفته است که می‌توان به درس از برجسته ترین آنها «رنه دکارت» و «ملاصدرا» که هر دو از فیلسوفان هم عصر بودند، اشاره کرد و هر دو با روش‌های تامل متناظر، بخش عمده‌ای از کارهای فکری خود را به مطالعه نفس و بدن حتم‌اص داده‌اند. بحث در مورد نفس انسانی است، انسان که در این جسم و ماده بدنیا می‌آید موجودی است که به خودی خرد دلی ندارد و هر فیلسوفی به نگاه خود تعبیری برای آن می‌یابد حتی برای خود انسان که دارای نفس می‌باشد؛ هر اندیشه‌ای جایگاه خود را دارد بطور مثال دکارت برای انسان ثنویت قائل است و شیخ اشراق انسان را محل تلاقی نور و ظلمت می‌داند، درجه طلب معرفت

نور را شرط آدمیت می‌نهد و همچنین ملاصدرا هم معتقد است نفس انسان جسمانی الحدوث و روحانی البقا می‌باشد. ملاصدرا اولین کسی است که مبدا و معاد را با برهان عقلی اثبات کرد و شریعت را با حکمت ائتلاف بخشید و مطابق حرکت جادری، نفس در سیر کمالی خود از هر مرحله به مرحله به کمالات مرتبه پیشین در سیر کمالی خود از قانون لبس بعد از لبس پیروز می‌کند. بدین ترتیب نفس با رسیدن به مرحله نهایی همه لباس‌ها را به تن دارد، یعنی واجد تمام کمالات قبلی است و به اصطلاح کل التوی است بر مبنای قاعده بسیط الحقیقه کل الاشياء قیاسی به ورت زیر تشکیل می‌شود:

نفس ناطقه در حقیقت ذات خویش بسیط است .

هر بسیط الحقیقه‌ای، کل الاشياء است .

پس نفس ناطقه کل الاشیاء است.^۱

کلمه نفس و مشتقات آن ۳۶۷ بار در قرآن کریم استعمال شده است غالباً این کلمه بر انسان بعنوان یک موجود زنده دالت دارد و به مفهوم خود انسان بکار رفته است (بقره ۲۳۲) مفهوم نفس عام و فراگیری است که بر تمام ابعاد وجودی انسان دلالت دارد و می‌توان این واژه را بیانگر کلیت و عامل وحدت رفتار انسان دانست. با وجود کثرت و تعددی که بر قوا حاکم است، باید همگی این را وحدت داشته باشند و آنها را یکی دانست. ملاصدرا هم خود را به اثبات این امر بدیهی می‌کند تا بتواند دیدگاه عرفانی را پی ریزی کند. نظر او، هر

قواعد کل فلسفی، غلامحسین ابراهیمی دینانی، پژوهشگاه علوم انسانی، ج ۱،

بدنی ، دارای یک نفس است و همه قوای آن از متن همان
نفس نشئت می گیرد.^۲

وی برهان خود را بر این مبنای فلسفی استوار می کند که : هر
موجودی به کمال ذاتی خود نایل شود در بقای خود نیازی به
قوه اعضایی متعدد ندارد، بنا بر این تا زمانی که موجودی مجرد
و عقلی باشد ، غایب جانش (نهایتش) یکی خواهد بود.^۳

برهان دیگر اینکه بگوییم:

نفس بواسطه تعلقی که به عالم مدیوت دارد، باید امری
وحدانی باشد، از آنجا که نفس از سنخ عالم ملکوت است،
دارای وحدتی جمعی در سایه وحدت عالم الوهیت است و بنا

^۲ اسفار ج ۸ ص ۱۳۳

^۳ الشواهد الربوبیه ، صدرالدین محمد شیرازی ، مقدمه تصحیح جلال الدین آشتیانی

، بوستان کتاب قم ، ۸۲ ، ص ۲۴۹

بر این، ذاتا عاقل، متخیل، حساس، نامی، متحرک، حقیقتی
ساری در بدن است.^۴

www.ketab.ir

^۴شواهد، ص ۲۲۷